

سخنرانی دکتر ذاکر اصفهانی

استاندار محترم اصفهان

سلام عرض می‌کنم خدمت بزرگواران، خواهران و برادران گرامی، پیشاپیش تسلیت عرض می‌کنم ایام محرم را خدمت سروران همچنین ابراز همدردی می‌کنیم با مردم خوب و متدینان در خصوص بی‌احترامی به ساحت مقدس امام راحل (ره) که همانا بی‌احترامی به انقلاب اسلامی و همچنین نظام جمهوری اسلامی است. برای دقایقی که مصدع اوقات شریفان خواهم شد، عمدتاً به پاس به مقام علم و در عین حال موضوعی که بزرگواران تدارک دیدند خدمتتان رسیدم در عین حال، یکی. دو موضوع را خدمتتان عرض خواهم کرد.

آن پایین که نشسته بودم مفهوم یا واژه‌ی شهروند را که دیدم و به تعبیر بهتر دانش واژه‌ی شهروندی را درست نقطه مقابلش امر به معروف و نهی از منکر این گزاره را که دیدم به یک نتیجه‌ی ایی رسیدم، حال شاید بزرگوارانی هم که این عنوان را برای این همایش ملی در نظر گرفتند با همین عطف توجه به همین موضوع و به صورت تعمدی از این دانش واژه استفاده کردند خیلی زیباست البته منظورم این است که به این نتیجه برسم که خوب واژه‌ی برای این مفهوم استفاده شده برای اولین بار دانش واژه‌ی شهروند را وقتی به متون کلاسیک نگاه می‌کنیم. درون آثار فلاسفه‌ی عیانی و بعد از آن بخصوص فلسفه‌ی آتن می‌بینیم و در آثار بویژه افلاطون و ارسطو بطور متمرکز آنجا بحث از دموکراسی هاست و حقوق شهروندی و حضور شهروندان. منتها همان گونه که مستحضر هستید با اینکه عنوان دموکراسی‌های آزاد را ما آنجا می‌بینیم و دموکراسی مستقیم را حضورش را در آن نظام سیاسی و در آن مقطع تاریخی می‌بینیم با این حال احساس این است آن مفهوم شهروند به تمام معنا آنجا تعریف نشده و یک عده‌ی خاصی هستند که صرفاً از حقوق انسانی و شهروندی برخوردارند، بخش‌هایی از مردم، از جامعه، از بدنه‌ی اجتماعی بی‌نصیب‌اند از حقوق شهروندی، صرفاً یک گروه مشخص هستند که از حقوق خاص برخوردارند بقیه‌ی افراد نیستند یعنی شاید اکثریت جامعه می‌شود گفت که از این حقوق برخوردار نیستند و افراد زیادی، زنان یک طیف هستند به جز حالا زنان نغزگویی که آنجا حضور دارند ولی اکثریت زنان از این حقوق برخوردار نیستند همچنین بردگان، اصلاً جامعه‌ی بردگی در آن نظام سیاسی پذیرفته شده است و آنجا یک جامعه‌ی کاست را ما مشاهده می‌کنیم آنجا بحث از این است که یک عده‌ی مشخص به عنوان شهروند از حقوق برخوردار هستند بعدها که بیاییم جلوتر درون آثار غرب همچنان یک چنین شرایطی را می‌بینیم حتی این اواخر که غرب مدعی، در دوره متأخر، در دوره‌ی معاصر از حقوق شهروندی به کار برد این حقوق را در متون خودش عنوان کرد که ما به این حقوق پایبند هستیم. در جریان شکل‌گیری دولت، شهرها، کشورها و ناسیونالیسم جدید یعنی بعد از جنگ و درگیری‌های سی ساله‌ای که در اروپا اتفاق افتاد و قراردادهایی مثل وستفالی، این مفهوم را سعی کردند توسعه بدهند و براساس آن نوع نظام‌های دموکراتیک امروز را برقرار بکنند منتها در همان نظام‌ها هم که ما فرود می‌کنیم می‌بینیم که آنچه که تحت عنوان حقوق شهروندی از آن یاد می‌شود صرفاً یک رابطه‌ی حقوق طرفینی بین مردم و نوع نظام سیاسی است. یعنی حضور مردم عمدتاً در حوزه‌ی سیاسی و به تعبیر دقیق‌تر در جریان انتخابات معنا پیدا می‌کند. در حوزه‌های دیگر هیچ‌گاه بسط پیدا نکرده، در حوزه‌ی اجتماعی بسط پیدا نمی‌کند و نه تنها بسط پیدا نمی‌کند بلکه از شهروندان خواسته می‌شود که مداخله‌ای در مناسبات اجتماعی نباید

داشته باشند صرفاً یک حضور است در شب انتخابات، جالب این است که ما این مفهوم را یک مفهوم خیلی پویاتر و عمیق تر در اندیشه ی دینی و بخصوص در اندیشه ی شیعی خود می یابیم آنجایی که بحث از امر به معروف و نهی از منکر یعنی این انسان مسئول است. وقتی از دانش واژه ی شهروند عنوان می کنیم یعنی یک حقوق دوطرفی، از یک سو شما حقوقی دارید و از سوی تکلیفی دارید، یعنی این هر دو با هم همزادند در کنار هم مثل اینکه گفته می شود پدری و فرزند، فرزند بدون پدر معنا پیدا نمی کند و پدر هم بدون فرزند معنا ندارد، در مفهوم شهروند هم یک چنین است خصلتی است که شما نمی توانید صرفاً از حقوقی برخوردار باشید بدون اینکه تکلیفی داشته باشید و یا آنکه تکلیفی باشد بدون حقوقی؛ این را به تمام معنا در تمام ابعاد و اضلاع جامعه در اندیشه ی دینی ما می بینیم یعنی بخصوص در اندیشه ی شیعی ما مفهوم حق و تکلیف در تمام ساختارهای نظام اجتماعی حضور دارد در صحنه ی سیاست حضور دارد، در مناسبات خانوادگی حضور دارد، در صحنه ی مناسبات اجتماعی در قلمرو کار و در قلمرو دانش در دانشگاه، در مدرسه و همه ی مناسبات جامعه این مفهوم را شما می توانید شناسایی کنید و جالب اینکه آنچه که در ماجرای عاشورا هم اتفاق افتاد بی تناسب نیست که گریزی بزنیم به موضوعی که موضوع روز ما هم هست، در ماجرای عاشورا هم شما همین مفهوم را مشاهده می کنید آنجا هم وقتی از بحث از ورود در صحنه می شود حضرت آقا امام حسین (ع) می فرمایند: حرکتیم بخاطر امر به معروف و نهی از منکر است یعنی اگر حرکت، حرکت اصلاحی است این حرکت اصلاحی در این قلمروها حضور دارد گرچه حالا بعضی ها فرمودند: با نگاه های مدرن سعی در اسطوره زدایی، افسون زدایی از دین می کنند و سعی می کنند با سازو کارهای مدرن مناسبات دینی را تفسیر بکنند و از قیام حضرت آقای، آقا اباعبدالله حسین (ع) تفسیرهای متجددانه به دست بدهند ولی آنچه که عمق این حرکت را شکل داد و غناء داد به اون چیزی نبود بجزء امر به معروف و نهی از منکر و آنجا هم که از اصلاح نام برده می شود باز این اصلاح یک اصلاح به تمام معنا دینی است و آنچه که در دنیای مدرن اتفاق افتاد تحت عنوان رفورم کاملاً متفاوت است اینجا حضرت امام به دنبال یک عمل رفورمیستی در حوزه ی دین نیست به دنبال این سازوکارهای دینی را مناسب با عقل بشری شکل بدهد بلکه آنجا با توسل به آیین و حیانی در پی تجدید در واقع مناسباتی است که به انحراف رفته و مناسبات دینی که احساس می شود در گذر زمان دچار مشکل شده و بدعت ها و خرافات ها بر ذهن بشری در واقع حاکمیت پیدا کرده است آن حرکتی بود که نهضت عاشورای امام حسین (ع) را شکل داد اتفاقاً به روز است آنچه که شما امروز تحت عنوان همایش ملی شهروند و امر به معروف و نهی از منکر آوردید اتفاقاً در متن نهضت بزرگی اتفاق افتاد به نام نهضت عاشورا و به همین دلیل این حرکت حماسی در تاریخ بشری حضور پیدا کرد و مبدایی شد برای خودش مستحضر هستید پدیده های تاریخی آنگاه که اثر بخش می شود و در طول تاریخ می تواند بر ذهنیت بشر اثر بگذارد و تحولاتی را موجب شود این ها همیشه می مانند در طول تاریخ وقتی ما می گوئیم تاریخ هجری قمری یعنی یک اتفاقی افتاده است یک جایی آن می شود مبدأ تاریخ، وقتی که می گوئیم سال مسیحی یعنی یک اتفاقی افتاده است میلاد حضرت مسیح است و با این اتفاق اثراتی را می بینیم یعنی این اتفاق الهام بخش بوده است برای بشر و تاریخ بشر در دوره های بعد از آن به همین خاطر برخی از پدیده ها، پدیده های اجتماعی ماندگار می شوند و برای بشر حتی به عنوان مبدأ تاریخ تلقی می شوند هر پدیده ای این خصلت را ندارد ما در طول روز با پدیده های مختلفی سروکار داریم، خبرهایی صورت می گیرد و اتفاقاتی می افتد ولی آن اتفاقات هیچگاه به عنوان مبدأ حساب نمی

شوند حال آنکه آنچه که در نهضت عاشورا اتفاق افتاد از یک چنین خصلتی برخوردار بود و جالب آنکه این عظمت و این در واقع، واقعه‌ی عظیم اتفاق افتاد و مردم ما هم با آن انس گرفتند و مردم ما هم سالها با آن مأنوس بودند آن را شناختند با رغبت آن را پذیرفتند و با این انس ادامه‌ی حیات دادند. انقلاب اسلامی هم که اتفاق افتاد در ادامه‌ی همین حرکت صورت گرفت یعنی انقلاب اسلامی هم در عصر بازگشت به خویش و با توجه به آن خودآگاهی تاریخی ایرانی که ملهم از اندیشه‌ی شیعی بود آن هم در پرتو همین الهام بخشی نهضت امر به معروف و نهی از منکر اتفاق افتاد درست در متن نظام دو قطبی که از ما یا قطب شرق یا قطب غرب را تجویز می‌کردند به ما، و از ما می‌خواستند که یکی از این دو را بعنوان الگو برگزینیم. ملت ما با توجه به همین آرمان تاریخی و با توجه به همین اصل ارزشی و با عنایت به آن نهضت بزرگ یعنی نهضت عاشورایی، انقلاب بزرگی را پی ریخت که به همین دلیل بعنوان یک معجزه از آن یاد شد چرا معجزه؟ به عنوان اینکه قرار نبود در متن نظام ماتریالیستی، در متن نظام دو قطبی آن مقطع تاریخی یک حرکتی از این دست اتفاق بیفتد، حرکتی که کاملاً منطبق است با آیین و حیانی. به همین دلیل آقای فوکو، میشل فوکو فیلسوف پست مدرن فرانسوی که چیزی حدود 4 تا 5 سال پیش از دنیا رفت ایشان البته 2 مرتبه به ایران سفر کرد که یک بار همان اوایل انقلاب اسلامی بود، 2 کتاب هم به طور خاص در خصوص انقلاب اسلامی نوشت و یکی از عناوین این کتاب‌ها این بود انقلاب روحانی در متن نظام بی روح یعنی درست در زمانه‌ی این که انقلاب‌ها همه‌شان از نوع انقلاب‌های مادی بودند و توجهی به امر معنا نداشتند، یک انقلابی اتفاق افتاد که هیچ نسبتی با انقلاب‌های آن مقطع تاریخی نداشت، مستحضر هستید قرن 20 را قرن انقلاب‌ها نامیدند بخاطر اینکه انقلاب‌های عمده‌ای در آن قرن اتفاق افتاد و جالب اینکه اگر انقلاب اسلامی در امتداد آن انقلاب‌ها صورت گرفت نسبتی با آن انقلاب‌ها نداشت. نه با انقلاب بولشویکی روسیه نسبتی برقرار کرد، نه با آراء مأخوذ از اندیشه‌ی مارکس نسبتی پیدا کرد نه با اندیشه‌های تعدیل یافته از مارکسیزم نسبتی پیدا کرده، نه با مائوئیسم نسبتی داشت، نه با چکوراویسم، و نه با دیگر آراء مأخوذ از مارکسیزم قرن 20. یک انقلاب به تمام معنا دینی و روحانی و ملهم از همین نگاه حسینی که در مقطعی از تاریخی که عرض کردم بنا نبود چنین اتفاقی بیفتد، تحقق یافت و به همین دلیل عنوان شد که یک معجزه‌ای صورت گرفته است. معجزه بودن انقلاب اسلامی این صفت به همین دلیل است. به هر تقدیر آنچه که حضرت امام حسین (ع) صورت دادند الهام بخش بود، نقش بزرگی در بیداری بخش‌هایی از مردم دنیا از جمله مردم ما داشت و با همان الهام بخشی انقلاب اسلامی صورت گرفت. و پس از انقلاب هم مردم ما هم با همان ساز و کارهای شیعی و با همان ساز و کارهای اعتقادی انقلاب را همراهی کردند، به آن مدد رساندند و تا به امروز انقلاب را پویاتر از روز قبل انشاءالله در جهت روند تکاملی آن بازهم مساعدت خواهند کرد. تا آنکه آرمان نهایی، آرمان اعتقادی شیعی محقق شود. به هر تقدیر انقلاب اسلامی یک درهم تنیدگی را با مفهومی که با عنوان این همایش ملی داشت انقلاب اسلامی در پس این مفهوم اعتقادی صورت گرفت. بخاطر می‌آوریم 15 خرداد ریشه در عصر عاشورایی امام خمینی (ره) داشت، ریشه در اصل عاشورایی داشت که بنیانگذار و معمار این انقلاب آن را آفرید تا سوعا و عاشورای 57 هم ریشه در همین مفهوم داشت و انقلاب اسلامی ریشه در تاسوعا و عاشورای سال 1357 داشت، آنجا شعار معروف خون بر شمشیر پیروز می‌شود از تم‌های دروابع گفتمانی آن مقطع تاریخی است. این شعار، شعار نهضت امام حسین (ع)، این شعار ادامه‌ی حیات داد در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی هم این چنین شد. و فرهنگ در واقع انقلاب اسلامی متناسب با

فرهنگ شیعی شکل گرفت و اما ما در اصفهان چه خواهیم کرد؟ خدمتتان عرض شود که من از این فرصت استفاده می‌کنم گرچه آنچه درون این دقایق عرض خواهم کرد نسبتی با همایش شما ندارد، ولی به تعبیری نسبتی هم خواهد داشت ما با توجه به ظرفیت‌ها و استعدادهای استان اصفهان که عرض کردم ریشه در همین فرهنگ دارد و این فرهنگ در واقع شیعی حاکم، انشاءالله زمینه و بسترهای خوبی را تدارک دیدیم که انشاءالله به زودی محقق شود و بتوانیم در مسیر اعتلای فرهنگی کشور حرکت کنیم بارها و بارها مقام معظم رهبری از دولت و دولت‌مداران مطالبه فرمودند که طرح الگوهای بومی پیشرفت برای بقای نظام سیاسی نیاز است. ما نمی‌توانیم با همان ساز و کارهای قبل، با استانداردهای قبل ادامه‌ی حیات دهیم انقلاب اسلامی اتفاقاً برای همین اتفاق افتاده، انقلاب اسلامی یک حرکت شالوده‌شکنانه بوده علیه آن استانداردها و الگوهای قبلی که باید پس از شالوده‌شکنی ساختارهای جدیدی را مطابق با روح فرهنگ دینی ایجاد کرد. در دوره اخیر سفر جناب آقای رئیس‌جمهور در اصفهان پیشنهادی داشتیم، این پیشنهاد الحمدالله مصوب شد و اصفهان به عنوان پایتخت فرهنگ و تمدن ایران اسلامی از آن یاد شد و پذیرفته شد، و انشاءالله به دنبال این عنوان که برای این اصفهان بزرگ خواهیم داشت برنامه‌هایی در نظر گرفته شده است. البته باید یک جایی ما خدمت‌بزرگواران در این خصوص صحبت بکنیم که چه دلیلی وجود داشت که اصفهان را به عنوان پایتخت فرهنگ و تمدن ایران اسلامی نامیدیم من همین قدر به طور خلاصه خدمتتان عرض بکنم ما ادله، اولاً نیازی به دلیل نیست، اولاً آفتاب آمد دلیل آفتاب. مظاهر و نمادهای فرهنگی این استان و بخصوص این شهر را وقتی شما نگاه می‌کنید پی به عمق و پویایی این فرهنگ و این تمدن می‌برید. دوم آن برای اولین بار صرفنظر از تاریخ و پیشینه‌ی غنی اصفهان، که البته مظاهر تمدنی آن هم کم نیست ما حداقل در طول این 400 ساله‌ی اخیر برای اولین بار در این استان با توسل به تفکر شیعی، یک وحدت ملی را بر پایه‌ی ناسیونالیسم جدید پی‌ریختیم در مقطعی از تاریخ که دنیای غرب هم و غرب مدعی هم هنوز به لحاظ نظری به پشتوانه‌های علمی ناسیونالیسم جدید نرسیده بود به یاد می‌آوریم برای اولین بار این بحث ناسیونالیسم غرب را، جوانه‌هایش را درون آثار ماکیاوولی قرن 15 داریم. برای اولین بار جوانه‌های آن را داریم که بعدها این ناسیونالیسم پرورده شد و در قرون 18 و 19 با آثار آمیخته بود که به تدریج عقبه‌ی تئوریک آن شکل گرفت و نهایتاً در قالب ملت‌های جدید خودش را نشان داد. اصفهان استانی بود و شهر اصفهان، شهری بود که برای اولین بار براساس آن تفکر، براساس ایدئولوژی تشیع یک وحدت ملی را پایه ریخت و براساس آن وحدت ملی، ایران را سروسامان داد. مستحضر هستید قبل از این اتفاق، وضعیت ما عمدتاً در حوزه‌ی مولکول‌طوایی ترسیم می‌شود. برای اولین بار بود که ایران را به این شکل ما در اصفهان و به پایتختی اصفهان سروسامان دادیم و بی‌جهت نیست که امروز ما همچنان از آبشخور همان تفکر شیعی آن مقطع تاریخی که البته از بیرون به ما مدد رسید، پادشاهان ما دعوتی از علمای جبل از آن سوی دنیا داشتند آمدند و با آن ساز و کارهای شیعی این پایتختی را شکل دادند، این نظام سیاسی را مستقر کردند و جالب اینکه امروز جریان بعکس شده است ما هستیم که داریم به آن سمت کمک می‌دهیم، این جمهوری اسلامی است که دارد به لبنان از هر حیث مساعدت می‌کند، در آن مقطع تاریخی با توسل به آن فرهنگ، با آن پیشینه‌ی فکری یک نظام سیاسی شکل گرفت امروز ما همچنان از آبشخور آن استفاده می‌کنیم آنچه که در جمهوری اسلامی هم شکل گرفت عمدتاً ریشه در اندیشه‌های فکری، فقهی، فلسفی و کلامی آن مقطع تاریخی دارد که ارزش دارد. من نمی‌خواهم راجع به اوصاف این فرهنگ و این حوزه‌ی تمدنی یاد بکنم، صرفاً جهت آنچه

که اتفاق افتاده است می خواستم خدمت عزیزان صحبت بکنم انشاءالله برای تعظیم آنچه که اتفاق افتاده است و برای درواقع اغناء فکری جامعه متناسب با آنچه که اتفاق افتاده است برنامه هایی هست. برای سطوح مختلف شهروندان درسطح استان، بخصوص برای محافل علمی و دانشگاهی و حوزوی و همان گونه که عنایت دارید اصفهان

از ظرفیت ها و قابلیت های خوب اندیشگی و نخبگی برخوردار است. در اینجا، من از بزرگان و از عزیزانمان؛ چون مجلس، مجلس دانشگاهیان است اعضای محترم هیئت علمی، دانشجویان بزرگوار، علمای عظیم الشان و نخبگان متعدد دعوت می کنم انشاءالله در همین رابطه کمک بدهند. انشاءالله تشریک مساعی بشود، مساعدت بشویم، بتوانیم از مجموعه ی این ظرفیت ها در همین راستا استفاده بکنیم و اگر قرار است عقبه ی تئوریک این نظام تبیین شود و در خصوص آن کاری صورت بگیرد انشاءالله با توجه به همین ظرفیت های استانی این کار صورت بگیرد. جناب آقای رئیس جمهور هم عنایت زیادی دارند به اصفهان و فرمودند: که من یقین دارم که این استان از این ظرفیت خوب برخوردار است و بخشی بالقوه است. بایستی که از این ظرفیت خوب استفاده بشود انشاءالله برای این مسیر، و بتوانیم در راستای الگوسازی در عرصه های مختلف متناسب با فرهنگ و روح حاکم بر جمهوری اسلامی انشاءالله زمینه های ارتقاء و پیشرفت کشورمان را در حوزه های مختلف محقق سازیم.

متشکرم

شهروند مسئول